



شیوه ها و سیاست های تبلیغی حضرت زینب سلام الله علیها

یکی از نکات مهمی که در اکثر تحقیقات بدان اشاره شده است این است که اگر نبود حضرت زینب(س) و مجموعه اقدامات وی بعد از جریان عاشورا، قیام امام حسین(ع) نمی توانست آنگونه که می بایست رسالت خود را انجام دهد.

مقدمه:

یکی از نکات مهمی که در اکثر تحقیقات بدان اشاره شده است این است که اگر نبود حضرت زینب(س) و مجموعه اقدامات وی بعد از جریان عاشورا، قیام امام حسین(ع) نمی توانست آنگونه که می بایست رسالت خود را انجام دهد.

بنابراین باید گفت قیام و انقلاب امام حسین(ع) در روز عاشورا انجام شد ولی این عقیده بنی هاشم بود که در کنار سید سجاده(ع)، این نهضت را به سرانجام رساند.

کرچه نقش اصلی آن در دوران بعد از شهادت امام حسین(ع) می باشد ولی حضور حضرت در روز عاشورا در کنار امام حسین(ع) نیز عامل بسیار مهم در تقویت روحی اهل بیت امام و دیگر همراهان ایشان بود.

پس از شهادت امام حسین(ع) رسالت خطیر و سنگین زینب کبری(س) آغاز شد. ایشان در جریان عاشورا مصیبت های بسیار بزرگی دید و تحمل کرد

مرحله نخست، مرحله مبارزه، جهاد و شهادت، و مرحله دوم مرحله پیام رسانی و بیدارگری است که باید روش های خاص خودش را عملی کرد .

اگر نهضت امام حسین(ع) در همان مرحله نخست خلاصه میشد. و کسی نبود که پیام نهضت را به گوش مردم آن زمان برساند، ماهها زمان لازم بود تا به طور طبیعی خبر قیام امام(ع) به شهرهای اطراف برسد

در این مطلب شیوه ها و سیاست های تبلیغی زینب سلام الله علیها را بعد از جریان عاشورا بیان خواهیم کرد.

شیوه ها و سیاست های تبلیغی زینب سلام الله علیها

چنان چه عاشورا را پدیده ای بدانیم که به وجود آورنده آن حسین بن علی علیه السلام باشد پرورش دهنده این پدیده زینب دختر علی علیه السلام خواهد بود.

وظیفه ی مهم او پس از عصر عاشورا ، پاسداری از نهضت خونین امام حسین علیه السلام و رساندن پیام «هیئات منا الذله» او برای جهانیان است.

او راه سخت و دشواری را در پیش دارد. او باید در بین جمعیتی سخن بگوید که گویی گوش شان ناشنوا و چشمان شان نابیناست و در حماقت و نادانی کامل به سر می برند. او باید از این پس آگاهانه بیاندیشد و تصمیم بگیرد و باید از هر حال و شرایط و از هر وضعیت و موقعیت خوب استفاده کند و با زبان حال و قال آنان را از غفلت بیدار کند.

و به آنان آگاهی و شناخت بدهد تا احساس مسئولیت کنند و آن گاه خواه نا خواه شورش و انقلاب پدید آید. در پیدایش و تکمیل نهضت و فرهنگ عاشورا، حضرت زینب سلام الله علیها شریک امام حسین علیه السلام بود.

که در مجموع می توان گفت حضور و شرکتش در این نهضت عظیم، پس از امام حسین علیه السلام از همه بیشتر بود، او از مدینه تا مکه و از آن جا تا سرزمین کربلا و در ماجرای عاشورا، یار و یاور مخلص و پشتوانه نیرومند امام حسین علیه السلام بود، تا آن جا که دو نوجوانش محمد و عون را در روز عاشورا فدای نهضت امام حسین علیه السلام کرد.

وقتی امام حسین علیه السلام پیکر به خون تهیه این دو جوان را از میدان به کنار خیمه آورد ، زینب سلام الله علیها از خیمه بیرون نیامد، مبادا رنج امام حسین علیه السلام با دیدن زینب سلام الله علیها «افزون شود».

ولی در مورد حضرت علی اکبر علیه السلام از خیمه بیرون دوید و به استقبال جنازه پاره پاره او شتافت، و با برادرش هم نوا گردید، و مطابق پاره ای از روایات، زینب سلام الله علیها برای تسلی خاطر امام حسین علیه السلام زود تر به بالین علی اکبر رفت، هنگامی که امام حسین علیه السلام به قتل گاه رسید، نخست نگاهش به

زینب سلام الله علیها افتاد، و این تدبیر در فرو نشاندن شدت ناراحتی امام حسین علیه السلام نقش به سزایی داشت (1)

«زن مگو مرد آفرین روزگار *** زن مگو بنت الجلال اُخت الوقار

زن مگو خاک درش نقش جبین *** زن مگو دست خدا در آستین...»

چون زینب تربیت شده خاندان وحی و امامت بود و به حقیقت دین آشنایی کامل داشت وقتی دین را در دست عده ای ستم گر دید و مردم زمانه را از ظلم و جور حکام خود غافل یافت به صرافت دریافت اگر مردم را به گونه ای از بدعت ها و ظلم و ستم ها و ناحق بودن حاکمان زمانه آگاه نسازد از دین چیزی جز ظاهر آن باقی نمی ماند،

از این رو با امام حسین همراه شد به امید آن که نادرستی ها و ناشایستگی ها را از دین بزایند. البته تا زمانی که امام حسین علیه السلام در قید حیات بودند ایشان در همه امور از امام علیه السلام اطاعت می کرد،

اما وقتی متوجه شد از مردان بنی هاشم کسی جز امام زین العابدین علیه السلام باقی نمانده و او هم چنان رنجور است که تا مدت ها توان ندارد به وظایف امامت خویش قیام کند تصمیم گرفت در کنار امام سجاد علیه السلام به رسالتی که برای خویش احساس می کرد عمل نماید.

وظایف اصلی زینب سلام الله علیها

زینب سلام الله علیها موارد زیر را از وظایف اصلی رسالت خویش می دانست:

1. سعی داشت در هر فرصتی با خطبه و سخنرانی عمال و حکومتیان را رسوا سازد و مردم را از جنایتی که آنان مرتکب شده بودند آگاه نماید، تا با مفتضح ساختن دستگاه حکومتی خون عزیزانش هدر نرود و انقلاب کربلا بی ثمر نماند، انقلابی که ثمره اش معیاری برای تمیز حق از ناحق بود.

2. آرامش دادن به زنان و کودکان داغ دیده تا مبادا با ناله و شیون دشمن کام گردند و دشمن از حال رقت بار آنان شاد شود.

3. سومین وظیفه ای که زینب سلام الله علیها خویش را به آن ملزم می دید مراقبت از امام سجاد علیه السلام بود. به همین علت خود را در جلو شمشیرهایی می انداخت که قصد داشتند امام را به شهادت برسانند (2).

آری زینب سلام الله علیها پس از عاشورا این سه موضوع حساس را بر عهده گرفت و با به کار گیری شیوه ها و سیاست های خاص به خوبی آن را اجرا کرد. اکنون نگاهی گذار به سیاست ها و شیوه های تبلیغی آن بانوی بزرگوار می افکنیم:

برپایی مجالس عزاداری و سوگواری

پس از این که امام علیه السلام و اصحاب باوفایش به شهادت رسیدند زینب سلام الله علیها به سرعت به طرف میدان حرکت کرد و وقتی که بدن خونین و پاره پاره برادر را دید شیوه کنان گفت:

«وا اخاه وا سیداه وا اهل بیتاه و سپس گفت: لیست السماء أطبقت علی الارض ولیت الجبال تدکدکت علی السَّهْل» (3). «ای کاش آسمان بر زمین ویران می شد و ای کاش کوه ها از هم می پاشیدند و به بیابان ها می ریختند.»

و زمانی که به پیشنهاد شمر لعین کاروان اسیران را از کنار بدن های قطعه قطعه شده ی شهیدان عبور می دادند و زینب سلام الله علیها پیکر شهدا و بدن پاره پاره شده برادرش را دید خم شد و بدن پاره پاره برادر را در آغوش گرفت و دهانش را روی حلقوم بریده برادر نهاد و می بوسید و می گفت: «یا اخی لو خیرت بین الرحیل والمقام عندک لاخترتُ المقام عندک و لو أنَّ السَّباع تأکلُ من لَحْمی» (4).

«برادرم، اگر مرا بین سکونت در کنار تو - کربلا - و بین رفتن به سوی مدینه مخیر می نمودند، سکونت در نزد تو را بر می گزیدم، گرچه درندگان بیابان گوشت بدنم را بخورند.

و در برخی از مقاتل آمده است: در این هنگام رو به مدینه کرده و می گوید: «وا محمداه صلی علیک ملائکة السماء، هذا حسین مرقل بالدماء مقطّع الأعضاء و بناتک سیایا» (5) .

فریاد ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم درود فرشتگان آسمان بر تو باد این حسین تو است که در خون غوطه ور است، اعضایش قطع شده و دختران تو به عنوان اسیر عبور داده می شوند...»

راوی می گوید: زینب کبری سلام الله علیها به گونه ای روضه خواند و گریه کرد که: قابکت و الله کلّ عدو و صديق (6) «سوگند به خنای هر دوست و دشمن از گریه و گفتار زینب سلام الله علیها گریه کرده.»

محتشم کاشانی در دوازده بند معروف خود در این باره چنین سروده است:

ناگاه چشم دختر زهرا در آن میدان *** بر پیکر شریف امام زمان فتاد

بی اختیار نعره ی «هذا حسین» از او *** سر زد چنان که آتش از و در جهان فتاد

پس با زبان پر گله آن بضعة الرسول *** رو در مدینه کرد که یا ایها الرسول

این کشته فتاده به هامون حسین توسست *** وین صید دست و پا زده در خون حسین توسست

این نخل تر کز آتش جان سوز تشنگی *** دود از زمین رسانده به گردون حسین توسست

این ماهی فتاده به دریای خون که هست *** زخم از ستاره بر تنش افزون حسین توسست

این خشک لب فتاده ی دور از لب فرات *** کز خون او زمین شده جیحون حسین توسست

این شاه کم سپاه که با خیل اشک و آه *** خرگاه زین جهان زده بیرون حسین توسست

این قالب طپان که چنین مانده بر زمین *** شاه شهید ناشده مدفون حسین توسست.» (7) آن چه از این گونه اقدامات آن حضرت به دست می آید.

این است که او می خواهد با این ناله های جان سوز ولی آگاهانه و بیدار کننده. درس های آموزنده به لشکریان فرومایه دشمن دهد او باید به آنان بفهماند که چه جنایت هایی کرده اند و باید به آن لشکر

جنایت کار کوفه بفهماند که جنگ شان، جنگ با قرآن آورنده قرآن، و ایمان آورندگان به قرآن بوده است. او می خواهد با این ناله های جان سوز عواطف و احساسات مردم را تحریک نماید.

و آنان خود به خود علیه استبداد و یزیدیان قیام و شورش کنند و می بینیم که چنین کرد. مدتی که در شام اقامت داشت در محله ای به نام «دار الحجاره» مراسم عزاداری بر پا کرد .

و آن چنان عزاداری و نوحه سرایی و گریه و زاری می کردند که مردمی که در آن جا شرکت می کردند تصمیم گرفتند به خانه یزید هجوم برند و او را به قتل برسانند (8)

و باز آن بانوی ستمدیده را می بینیم که پس تحمل آن همه مصیبت ها و رنج ها به مدینه بازگشته و در شهر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و در خود به سوگواری بر امام علیه السلام و دیگر یاران او می پردازد.

در این مراسم عزاداری، هر روز گروه گروه از زنان مدینه به خدمت آن حضرت آمده، ضمن تسلیت به ایشان، به ندبه و گریه می پردازند تا آن جا که به تدریج زنان قبایل و عشایر، تصمیم به خون خواهی شهدای کربلا می گیرند و قیام می کنند (9)

خطابه و سخنرانی حضرت زینب سلام علیها

هنگامی که کاروان اسیران، در آن جو پر از ظلم و خفقان به کوفه رسید، زنان، مردان و کودکان کوفه همه به معابر آمده تا مغلوبین و اسراء را تماشا کنند، برخی ناراحت و برخی بهت زده و گروهی از شدت تأثر اشک می ریختند.

حضرت زینب سلام الله علیها موقعیت را تشخیص داد و نگاهی به مردم کرد و با اشاره خواست همه سکوت کنند و با انتخاب بهترین فرصت ها و زیبا ترین کلمات و جملات و با شجاعتی بینظیر و علی وار بر مسند خطابه ایستاد.

فراز هایی از خطبه های آن مظلومه را در این قسمت نقل نموده و به تحلیل برخی از نکات آن می پردازیم: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الْآخِيَارِ ، أَمَّا بَعْدُ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ ، يَا أَهْلَ الْمُخْتَلِ وَالْعَدْرُ اتِيكُونَ ؟ قَلَّا رَقَاتِ الدَّمْعَةِ وَ لَا هَدَأَتِ الرَّتَّةُ ، أَمَّا مِثْلُكُمْ كَمَثَلِ الْيَتِيمِ نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَثَا وَ هَلْ فِيكُمْ أَثَا الصَّلَفِ وَ النَّطْفِ وَ الصَّدْرِ الشَّنْفِ وَ مَلَقِ الْأَمَاءِ وَ عَمَرِ الْأَعْدَاءِ وَ هَلْ أَنْتُمْ أَثَا كَمَرَعِي عَلَى دِمْنَةٍ أَوْ كَفَضَةٍ عَلَى مَلْخُودَةٍ ...»(10)

«حمد و سپاس مخصوص خداوند است و درود بر پدرم محمد و اهل بیت پاک و برگزیده او باد، اما بعد هان ای مردم کوفه ای اهل نیرنگ و فریب، گریه می کنید؟

ای کاش هیچ گاه اشک چشم های تان تمام نشود و هرگز ناله های تان خاموش نگردد، همانا مثل شما مثل زنی است که رشته ی خویش را پس از خوب تابیدن، باز می کرد.

شما سوگند های خود را دست آویز فساد در میان خویش قرار داده اید، آیا در شما جز چاپلوسی و آلودگی و سینه های پر کینه و تملق گویی سینه های کنیزان و خریدن ناز دشمنان دین، خصلتی هست؟ مَثَل شما، مَثَل گیاه و علفی است که در مژبله می روید یا نقره ای آرایش قبیری به آن عوده می شود...

او در ابتدای خطبه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعبیر به پدر می کنند و با انتخاب این کلمه؛ می خواهد خود و قافله اسیران را معرفی کند و نسبت خویش را با پیامبر روشن سازد تا همگان دریابند اهل این قافله از کدام دودمان و قبیله اند.

و از این راه افکار و احساسات مردم را در اختیار بگیرد و مردم آنان را با دیده اسیر ننگرند و سپس به بزرگ ترین نقطه ضعف کوفیان یعنی سست عنصری و پیمان شکنی آنان اشاره می کند.

و با این کلمات و جملات می خواهد آنان را بر این خصلت آگاه سازد. و در فرازی دیگر از خطبه با نگرش دقیق و ظریف با صفاتی همچون «درمان درد ها»، «چراغ راه امت»، «پناه گاه جمع» و... به معرفی شخصیت امام علیه السلام می پردازد.

تا جای شک و تردیدی برای آن قوم سست عهد باقی نماند. او همچنان با مردم سخن می گفت و آنان را کشنده حسین علیه السلام و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می کرد.

سخنان او کاملاً صحنه را تغییر داد تا آن جا که صدای مردم کوفه به گریه بلند شده بود. زنان مو های خود را افشان کرده بودند و خاک بر سر و روی خود می ریختند.

او صحنه ی دیگری از قیامت را در برابر مردم قرار داد، در آن روز مردم کوفه از شنیدن این سخنان همچون ستمکاران در قیامت، حیران و سرگردان شده و دست های خود را به دهان می گزیدند (11)

آن استاد بی معلم نه تنها با مردم کوفه سخن گفت و آنان را بر آن کار زشتی که مرتکب شده بودند ملامت و سرزنش کرده در دار الاماره ابن زیاد نیز چنان نیرومندان ایستاد و پرخاشگرانه سخن گفت و او را حقیر و کوچک شمرد که توان سخن گفتن را از او گرفت.

در مجلس ابن زیاد هنگامی که او از روی شماتت به زینب سلام الله علیها گفت: «دیدی که خداوند با برادر و خاندانت چه کرد؟» زینب سلام الله علیها در پاسخ فرمود: « مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيعًا ...؛ جز خوبی چیزی ندیدم؛

﴿وَيَوْمَ يَعْصِي الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا﴾(12) روزی که ستمگر دستان خود را به دندان گرد و می گوید ای کاش راهی را که رسول در پیش گرفته بود، در پیش گرفته بودم

افرادی بودند که خداوند مقام ارجمند شهادت را سرنوشت شان ساخت، از این رو داوطلبانه به آرامگاه های خود شتافتند، و به

زودی خداوند بین آنان و تو و تو جمع کند، تا تو را به محاکمه بکشند، اکنون بنگر در آن محاکمه چه کسی پیروز و چه کسی شکست خورده و درمانده است؟ مادرت به عزایت بنشیند، ای پسر مرجانه.» (13)

این تعبیر نشان دهنده نهایت فروتنی و سپاسگزاری حضرت زینب سلام الله علیها در پیشگاه خدا است، و در عین حال تیری همچون شهاب ثاقب بر قلب دشمن است که هانای دشمنان سنگ دل هرگز نپندارید که ما خوار شده ایم بلکه ما سرافراز هستیم، چرا که برای خدا قربانی داده ایم.

و پس از ورود به شام و حضور در مجلس یزید با سخنان علی گونه اش چنان او را رسوا کرد و او را به گریه واداشت که توان پاسخ گفتن از او سلب شد.

در مجلس یزید، همه چیز در ظاهر به نفع یزید بود، اما آن هنگام که زینب سلام الله علیها خطبه خواند به راستی همه چیز را دگرگون کرد، و شام یزیدی را به شام غریبان تبدیل نمود.

و هم چون صاعقه سوزان و رگبار شدید سرزنش بر همه زندگی ننگین یزید بود در این جا نظر شما را به چند بخش از آن خطبه جلب می کنم:

﴿وَكَيْفَ يَرْتَجَىٰ مُرَاقِبَةً أَوْ بَنٍ مِنْ لَفْظٍ فَوْهُ أَكْبَادُ الْأَذْكَاءِ ، وَ تَبَتَ لَحْمِهِ مِنْ دِمَائِ الشَّهْدَاءِ﴾؛ به راستی چگونه توقع و امید دل سوزی از پسر آن کسی باشد که دهانش جگر پاکان را جوید و بیرون انداخت و گوشتش از خون شهیدان رویید.

یزید قبل از این خطبه افتخار کرده بود که از فرزندان خُندف است، که با سیزده واسطه به او می رسید و خُندف در عصر خود به عنوان بانوی خیراندیش معروف بود، زینب سلام الله علیها در این مورد با یزید مقابله به مثل کرد گویی به او فرمود:

به جده سیزدهم خود مناز، بلکه به جده نزدیک خود «هند» مادر معاویه را بنگر که در جنگ اُحُد جگر حضرت حمزه را در آورد و به دهان کشید و به خون آشامی معروف بود، چرا راه دور می روی؟!

﴿قَالَ اللَّهُ مَا فِرْيَةٍ إِلَّا جَلْدُكَ ، وَ لَا جَزَءَ إِلَّا لَحْمُكَ ...﴾؛ سوگند به خدا جز پوست خود را ندریدی و جز گوشت خود را نبریدی، و قطعاً با همین باری که از ریختن خون خاندان رسالت، و هتک حرمت آنان بر دوش داری، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد می گردی، در آن هنگام که خداوند همه را جمع می کند و حق آنان را باز می گیرد.

﴿حَسْبُكَ يَا لِلَّهِ حَاكِمًا ، وَ يَمْحَمِدُ حَصِيمًا ، وَ يَجْبَرِيلُ ظَهِيرًا ، وَ سَيَعْلَمُ مِنْ سَوَّلَ لَكَ وَ مَكُنَّ رِكَابِ الْمُسْلِمِينَ بَنَسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا﴾؛ و همین عذاب تو را بس که در دادگاه خدا، خداوند حاکم و داور است، و محمد صلی الله علیه و آله و سلم از جانب

ما مدعی ما است، و جبرئیل پشتیبان ما می باشد، و به همین زودی آن کس که تو را فریب داد و بر گرده مردم سوار کرد (یعنی معاویه) خواهد فهمید که برای ستمگران عوض بدی خواهد بود.

﴿وَ لَئِنْ جَرَتْ عَلَى الدَّوَاهِي مَخَاطِبُكَ ، أَتَى لَاسْتَصْغَرَ قَدْرَكَ﴾؛ اگر چه حوادث روزگار مرا به سخن گفتن با تو کشانده، ولی ارزش تو از نظر من ناچیز است.

﴿إِنَّا قَالَعَجَبُ كُلِّ الْعَجَبِ يُقْتَلُ حِزْبُ اللَّهِ النَّجَبَاءِ بِحِزْبِ الشَّيْطَانِ الطَّلَقَاءِ﴾؛ آگاه باش که مایه تعجب و بسی شگفتی است که افراد با شخصیت از حزب خدا در جنگ با افراد حزب شیطانی که بردگان آزاد شده هستند کشته می شوند.

فکد کیدک ، وَ أَسْعَ سَعْيِكَ ، وَ نَاحِبَ جُهْدِكَ ، قَوْلُ اللَّهِ لَا تَمْحُوا ذِكْرَنَا وَ لَا تُمِيتْ وَحْيَنَا ، وَ لَا تُدْرِكْ أُمْدُنًا ...؛ هر نیرنگی خواهی بزن، و هر اقدامی که توانی بکن، و از هر کوششی دریغ منما، که سوگند به خدا نه می توانی نام ما را محو کنی، و نه می توانی وحی ما را خاموش کنی و به منتهای مقام ما برسی.

و هرگز نتوانی ننگ این ستم را از خود بزدایی، رأی تو سست، و شماره ایام دولنت اندک است، و جمعیت تو متلاشی و پراکنده شود، تا آن روز (قیامت) فرا رسد که منادی حق فریاد زند؛ آگاه باشید لعنت خدا بر ستمگران باد.» (14)

خطبه حضرت زینب سلام الله علیها به طور کلی مجلس یزید، بلکه وضع شام را تغییر داد، و همه چیز را دگرگون ساخت، منطق قوی و نفس قدسی فوق العاده زینب سلام الله علیها باعث شد که آن چنان رعب و وحشت در یزید و یزیدیان ایجاد گردید .

که یزید نتوانست شعله سخن را در ذهن زینب سلام الله علیها خاموش سازد، چرا که می دید مجلس و مجلسیان در چنبره کلام آتشین حضرت زینب سلام الله علیها قرار گرفته است.

از آن پس، سیاست ظاهری یزید عوض شد، او در ظاهر اظهار پشیمانی می کرد، و گناه را به گردن ابن زیاد می انداخت. (15)

فصاحت و بلاغت حضرت زینب سلام علیها

اگر شیوه سخنرانی ها و خطبه های زینب توانست پرده از اعمال نگین حاکمان جور بر دارد و مردم را بیدار نماید مدیون فصاحت و بلاغت زینب است.،
فصاحت و بلاغتی که در خون او جریان داشت و با اخلاصی که داشت توانست پایه های ظلم را بلرزاند و الا پایه های هر خطیبی بخواهد فصیح و بلیغ سخن بگوید.،

علاوه بر استعداد ذاتی، باید بار ها تمرین عملی انجام دهد، همچنین در حین خطابه لازم است از نظر روانی و جسمانی کاملاً آماده باشد تا بتواند خطبه ای فصیح و بلیغ ادا کند . و مستمعین باید با او هماهنگ باشند و الا یارای سخن گفتن نخواهد داشت تا چه رسد به این که فصیح و بلیغ بگوید.

زینب بدون آن که دوره دیده و یا تمرین خطابه کرده باشد و در حال تشنگی، گرسنگی، خستگی اسارت، و از نظر روانی داغ دار، آواره و تحقیر شده با کسانی سخن می گوید که نه تنها با او هماهنگ نیستند.

بلکه حتی سنگ و خاکرویه بر سر او ریخته اند، با این حال صدای زینب بلند می شود که: «ای مردم کوفه ای نیرنگ بازان و بی وفایان...» سخنان زینب سلام الله علیها چنان بود که وجدان خفته مردم را بیدار کرد و صدای گریه از زن و مرد و پیر و جوان و خرد سال بلند شد.

خریم اسدی می گوید: متوجه زینب شدم، به خدا سوگند زنی را که سر تا پا شرم و حیا باشد، سخنران تر از او ندیدم، گویی زینب از زبان علی علیه السلام سخن می گفت.

و همو می گوید: پیر مردی را در کنار خود دیدم که بر اثر گریه محاسنش غرق اشک شده بود و می گفت: پدر و مادرم فدای شما باد، پیرمردان شما بهترین، پیرمرد ها جوانان شما برترین جوان ها و زنان شما نیکو ترین زنان هستند. نسل شما بهترین نسلی است که نه خوار می گردد و نه شکست می پذیرد (16)

شجاعت و شهامت حضرت زینب سلام علیها

یکی از سیاست های که زینب سلام الله علیها را در پیام عاشورایی خود پیروز نمود، سیاست شهامت و شجاعت بود و این صفت را مدیون ایمان قوی خود است زیرا از صفات بارز پروا پیشگان این است:

که خدا در نظر آنان بزرگ و غیر او در نظرشان کوچک، حقیر و فاقد اثر می باشد . امام علی (علیه السلام) می فرماید: (عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ قَصْعَرًا مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ) (17) ؛

خالق در جان آنان بزرگ است، پس غیر او در چشم شان کوچک می باشد. سر شجاعت اولیای الهی نیز در همین است. زینب که خود چنین دیدی دارد، و در خانواده شجاعت تربیت شده است از شجاعت حیدری بهره مند است. او به «البوة الهاشمية» (18)

شیر زن هاشمی لقب گرفته است و چون مردان بر سر دشمن فریاد می زند، توبیخ شان می کند، تحقیرشان می کند، و از کسی هراسی به دل ندارد. او از برق شمشیر خون چکان آدم کشان واهمه ندارد،

در آن روز فراموش نشدنی، در میان آن همه شمشیر و آن همه کشته فریاد می زند که آیا در میان شما یک مسلمان نیست؟ در مجلس ابن زیاد، بدون توجه به قدرت ظاهری او گوشه ای می نشیند و با بی اعتنایی به سؤالات او

تحقیرش می کند، او را «فاسق» و «فاجر» معرفی می کند و می گوید: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَ طَهَّرَنَا مِنَ الرَّجْسِ تَطْهِيراً) و انما يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَ يُكْذِبُ الْفَاجِرُ وَ هُوَ غَيْرُنَا) (19) ؛

با سپاس خدای را که ما را با نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم گرامی داشت، و از پلیدی ها پاک نمود. همانا فقط

فاسق رسوا می شود، و بد کار دروغ می گوید، و او غیر ما می باشد.» و

همچنین در مقابل یزید خیره سر، و دهن کجی ها و بد زبانی های او شجاعت حیدری را به نمایش گذارده، چنین می گوید: «لتن جَرَتْ علی الدواهی مخاطبتک اُتی لا ستصغر قَدْرکَ وَ اسْتَغْظَمَ تَقْرِیْعکَ وَ اسْتَکْبَرَ تَوْبِیْحکَ (20)

؛ اگر فشار های روزگار مرا به سخن گفتن با تو واداشته [بدان که] من قدر و مقدار تو را کوچک پنداشته و سرزنش تو را بزرگ شمرده و توبیخ کردن تو را بزرگ می دانم.»

صدای زنده علی به صوت دلپذیر تو *** اسیر شام بودی و یزید شد اسیر تو

سلام بر تو ای کسی که صبر شد حقیر تو *** ندیده بعد فاطمه جهان زنی نظیر تو

سیاه پوشی حضرت زینب سلام علیها

یکی از عواملی که سبب موفقیت زینب سلام الله علیها شد عقل و تدبیر او بود، اصلاً قبل از این که عاشورایی و اسارتی در کار باشد، زینب سلام الله علیها به عقل و تدبیر معروف و مشهور بود به طوری که به او القاب، عقیده بنی هاشم عقیده النساء و... لقب داده اند.

عقل و تدبیر زینب به گونه ای بود که توانست در کار هایش بیشتر موفق شود و در غیر این صورت نمی توانست در برابر یزید و اطرافیان حيله باز و مزوررش موفق شود.

از جمله کار های مدیرانه حضرت زینب سلام الله علیها برگزاری مجالس سوگواری و عزاداری در شام و مدینه و دستور وی مبنی بر سیاه پوش نمودن محمل ها بود که فرمود:

«جَعَلُوهَا سَوْدَاءَ حَتَّى يَعْلَمَ النَّاسُ ، أَنَا فِي مُصِيبَةٍ وَ عَزَاءَ لِقَتْلِ أَوْلَادِ الرَّهْرَاءِ ». «محمل ها را سیاه پوش کنید تا مردم بدانند که ما در مصیبت و عزاداری برای کشته شدن فرزندان زهرا سلام الله علیها هستیم.»

هر چند این گونه امور از نظر دشمنان ساده و بی ارزش بود ولی در حقیقت همین کار های با ارزش زمینه ساز قیام و انقلاب مردم علیه قاتلان امام حسین علیه السلام بود که توانست کاخ یزیدیان را متزلزل کند.

بعد از این که زینب سلام الله علیها با خطبه های غرای خود دل ها را متزلزل نمود و یزید با شکست سختی خود را روبه رو دید، یزید دستور داد تا با نرمش و اخلاق نیک با اهل بیت امام حسین علیه السلام رفتار شود، و آن ها را محترمانه به مدینه باز گردانند..

و هودج های شتر ها را با پارچه های پر زرق و برق آراسته کنند، زینب سلام الله علیها که از هوشیاری و قاطعیت و تدبیر بالایی برخوردار بود، دریافت که یزید می خواهد با این گونه ظاهر سازی، خون شهیدان را لوٹ کند، بی درنگ با قاطعیت فرمود:

هودج ها را سیاه پوش کنید تا مردم بدانند که ما در سوگ شهادت فرزند زهرا سلام الله علیها به سر می بریم.» این سخن شور و هیجان شدیدی در مردم ایجاد کرد (21) و سبب شد انتقام خون حسین تا زمان ما نیز ادامه یابد و عزای حسین علیه السلام تا این روزگار بر تأثیر باقی بماند.

رفتار های عالمانه حضرت زینب سلام علیها

یکی از عوامل موفقیت زینب سلام الله علیها در رساندن پیام حسین علیه السلام به جهانیان، تبلیغ با عمل بوده است او همواره تلاش می کرد که به وظیفه الهی خود عمل کند و در رعایت حلال و حرام الهی هیچ گونه سهل انگاری نمی کرد و از هیچ وظیفه شرعی فروگذار نمی کرد.

نقل است که وقتی اسرا را وارد کوفه کردند، مردم کوفه از روی ترحم به اطفال و اسیران نان و خرما می دادند، ام کلثوم (22) فریاد می زد:

ای اهل کوفه! صدقه بر ما حرام است و آنان را از دست و دهان بچه ها می گرفت و به سوی مردم می انداخت (23)

حتی حاضر می شود نان و غذای خود را بین بچه ها تقسیم کند و سه روز یا بیشتر چیزی نخورد ولی اجازه نمی دهد که ذره ای از صدقه را تناول کنند.

آری یکی دیگر از صفات حسنه انسان های برتر؛ مقدم داشتن دیگران بر خود است. امام علی علیه السلام فرمود: الايثار اعلی الایمان (24) ؛ ايثار بالا ترین درجه ایمان است .» و فرمود: «لا یشار اعلی الاحسان (25) ؛ ايثار برترین احسان است.»

زینب مجلله در این صفت نیز گوی سبقت را از دیگران ربوده است . او برای حفظ جان دیگران، خطر را به جان می خرد و در تمام صحنه ها، دیگران را بر خود مقدم می دارد. او در ماجرای کربلا حتی از سهمیه آب خویش استفاده نمی کرد و آن را نیز به کودکان می داد .

در بین راه کوفه و شام، با این که خود گرسنه و تشنه بود، ايثار را به بند کشیده و آن را شرمنده ساخت. امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: «أُتِيَهَا كَانَتْ تُقَسِّمُ مَا يُصِيبُهَا مِنَ الطَّعَامِ عَلَى الْإِطْفَالِ لَأَنَّ الْقَوْمَ كَانُوا يَدْفَعُونَ لِكُلِّ

وَاحِدٍ مِّثْلًا رَغِيْفًا مِنَ الْخُبْزِ فِي الْيَوْمِ وَ اللَّيْلَةِ (26) ؛ با عمه ام زینب [در مدت اسارت]، غذایی را که به عنوان سهمیه و جیره می دادند، بین بچه ها تقسیم می کرد،.

چون آن ها در هر شبانه روز به هر یک از ما یک قرص نان می دادند.» او سختی ها و تازیانه ها را به جان خود می خرید و نمی گذاشت بر بازوی کودکان اصابت کند.

برای حفظ جان کودکان در بر دشمن *** به پیش تازیانه بازوی خود را سپر کردم

حفظ حجاب حضرت زینب سلام علیها

اگر قرار بود زینب پیام و هدف قیام امام حسین علیه السلام را به خوبی بیان کند باید علاوه بر بیان گویا با رفتار عملی خود به دشمن می فهماند که حسین علیه السلام برای زنده کردن دین جدش کشته شد.

عفت و پاکدامنی، برازنده ترین زینت زنان، و گران قیمت ترین گوهر برای آنان است. زینب سلام الله علیها درس عفت را به خوبی در مکتب پدر آموخت، آن جا که فرمود:

« مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرٍ مِّمَّنْ قَدَرَ قَعْفَ يَكَاذُ الْعَفِيفُ إِنَّ يَكُونُ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ (27) ؛ مجاهد شهید در راه خدا، اجرش بیشتر از کسی نیست که قدرت دارد اما عفت می ورزد، نزدیک است که انسان عقیف فرشته ای از فرشتگان باشد.»

زینب کبری عفت خویش را حتی در سخت ترین شرایط به نمایش گذاشت.

پس از غارت لباس های امام حسین علیه السلام سپاهیان کوفه و شام به سوی خیمه ها هجوم بردند. لحظاتی تلخ و جان کاه بود. زینب کبری بیش از همه تلخی و مخاطرات این تهاجم وحشیانه را احساس می کرد، چرا که از یک سو پاسبان خیمه های حیا و عفت بود و از طرف دیگر حفظ جان امام زمانش را به عهده داشت.

دختر علی (علیه السلام) که منش و خوی کوفیان را می شناخت. برای حفظ حیای بانوان و قبل از آمدن آن ها تمام زیور آلات زنان را جمع کرده خطاب به عمر سعد فرمود:

ای عمر بن !سعد سپاهیان خود را از تعجیل و شتاب در غارت خیمه ها باز دار! خود آن چه اسباب و زیور آلات است به شما واگذار می کنیم. مبدا دست نامحرمان به سوی خاندان رسول خدا دراز شود (و بر قامت حیا و نجابت غباری نشیند).

تمامی وسایل و زیور آلات حتی گوشواره های فاطمه بنت الحسین علیه السلام نیز که یادگار امام بود و محلی جمع شد و پس از آن که زنان و کودکان در گوشه ای اجتماع کردند، دختر شجاع علی علیه السلام فریاد زد:

هر کس میل دارد، وسایل و زیور آلات را بر دارد عده ای پیش آمدند و هر چه بود غارت کردند... (28) یکی از موارد دیگری که به خوبی این شیوه در پیام رسانی زینب دیده می شود هنگامی که زینب وارد دار الخلافه ابن زیاد می شود زینب، که بی ارزش ترین لباس هایش برتن و کنیزانش دورش را گرفته بودند.

حیا را به عرصه نمایش گذاشت و بدون آن که به امیر سرکش خون خوار اعتنایی کند، به صورت ناشناس در گوشه ای نشست در حالی که سراپای وجود او را شرم، حیا نجابت و پاکی احاطه کرده بود (29) .

«فَجَلَسَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَتْنَكْرَةً ؛ زَيْنَبُ نَاشِنَاسِ نَشَسَتْ» (30) ابن زیاد پرسید: این زن کیست؟! (سه بار این سؤال را تکرار کرد).

حیا و نجابت زینب از یک طرف، علم حضرت به قصد ابن زیاد برای تحقیر اهل بیت (علیهما السلام) از طرف دیگر اجازه نداد زینب جواب او را بدهد تا آن جا که ابن زیاد ملعون با نیش زبانش نمک به زخم زینب پاشید و زینب باید برای حفظ آرمان ها سخن می گفت.

و باز این نشانه عفت اوست که هنگام ورود به شام، شمر را - که زمانی سرباز علی علیه السلام بود و در آن راه مجروح نیز شده بود، ولی ناپاکی ها و بی حیایی ها او را به آن جا کشانده که قاتل فرزند علی گردد - احضار کرد و از او خواست که برای حفظ مرز بلند حیا عفت کاروان اسرا را، از خلوت ترین درب شهر وارد شام نماید و

سر های شهدا را نیز از بین زن ها بیرون ببرد، ولی آن ملعون حیا از دست داده و در نتیجه دین را باخته، عکس فرمایش آن حضرت را

عمل کرد و اسیران را از شلوغ ترین و پرجمعیت ترین درب شهر یعنی درب ساعات وارد نمود و سر شهدا را نیز بین اسرا جای داد. (31) راوی می گوید:

«زینب (و یا ام کلثوم) را دیدم که چادری کهنه بر سر کشیده و روی خود را گرفته بود. امام سجاد علیه السلام نیز به سهل بن ساعد صحابی فرمود:

اگر می توانی چیزی به این نیزه دار پرداز تا سر امام را کمی جلو تر ببرد که ما از تماشایان در زحمت و اذیت هستیم. سهل گوید: رفتم و یک صد در هم به نیزه دار پرداخت کردم تا از بانوان دور شود، کار بدین منوال بود تا سر ها را نزد یزید بردند.» (32)

زینب در دوران اسارت و در حرکت از کربلا تا شام سخت بر عفت خویش پای می فشرد مورخین نوشته اند و هی تستر وجهها بکفها، لان قناعها قد اخذ منها (33) ؛ او صورت خود را با دستش می پوشاند چون روسریش از او گرفته شده بود.»

شاعر عرب به همین قضیه اشاره کرده و می گوید:

ورثت زینب من امها *** کل الذی جری علیها و صار

زادت ابنة علی امها *** تنهدی من دارها الی شر دار

تستر بالیمنی وجوها فان *** اعوزها الستر تمد الیسار

زینب تمامی آن چه بر مادر گذشت را به ارث برد، منتهی دختر سهم اضافه ای برداشت که از خانه اش به بدترین خانه حرکت کرد (به اسارت رفت)

صورت را [در اسارت] با دست راست می پوشاند و اگر پوشش او را نیازمند می کرد، از دست چپ هم بهره می برد.»

و آن بانوی بزرگوار بود که برای پاسداری از مرز های حیا و بر سر یزید فریاد می آورد که «مِنَ الْعَدْلِ يَا بْنَ الطَّلْقَاءِ تحذیرک حرائرک و امانک و سَوْفَکَ بَنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ سَبَايَا ؟ قَدْ هَتَكَتِ ستورهن و ابدیت وُجُوهُهِنَّ» (34)

؛ای پسر ای پسر آزاد شده های [جدمان پیامبر اسلام] آیا این از عدالت است که زنان و کنیزکان خویش را پشت پرده نشانی، و

دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به صورت اسیر به این سو و آن سو بکشانی؟ نقاب آنان را دریدی و صورت های آنان را آشکار ساختی.

یکی از رفتار های عملی تبلیغ حضرت زینب سلام الله علیها حفظ حجاب است، او نه تنها در حالت عادی، بلکه در بحرانی ترین لحظات زندگی اهتمام زیادی در حفظ خود از انظار و دیده های مردم داشت.

راوی می گوید: وقتی از حج بر می گشتم، وارد کوفه شدم، دیدم اسرا را وارد کوفه کرده اند امام سجاد علیه السلام را دیدم که بر شتری بدون روپوش سوار بوده و از پاهایش خون جاری بود در این هنگام بانویی را دیدم که بر شتری برهنه سوار است، سؤال کردم، او کیست؟

گفتند: زینب کبری است. فریاد می زد: ای مردم چشم های خود را از ما بپوشانید آیا از خدا و رسولش حیاء نمی کنید که به حرم رسول خدات در حالی که پوششی ندارند می نگرید (35)

او می خواهد با عمل و رفتار خود به جهانیان بفهماند که حسین علیه السلام و یارانش برای احیای احکام الهی شهید شده اند و زنان و کودکانش به همین دلیل به اسارت می روند و بنی امیه و دستگاه حاکمه یزید نسبت به احکام الهی نه تنها بی اعتنا هستند بلکه احکام الهی را واژگون کرده اند.

پی نوشت:

1. آیت الله جزائری الخصائص الزینبیّة، ص 351
2. جباری مقدم، عباس، زینب سلام الله علیها قهرمان صبر، نشریه پاسدار، اسلام شماره 215، ص 35
3. بحار الانوار، ج 6، ص 54
4. معالی السبطين، ج 2، ص 55
5. سوگنامه آل محمد، ص 393
6. معالی السبطين، ص 31؛ بحار الانوار ج 45 ص 59؛ نفس المهموم، ص 210
8. دیوان محتشم بند 8 و 9
9. جزایری، سید نور الدین خصایص، زینبیه ص 296.
10. عماد زاده، حسین، حضرت زینب کبری سلام الله علیها ص 150
11. ترجمه لهوف ص 146 - 148
12. فرقان 25
13. علامه طبرسی، اعلام الوری، ص 247، کامل ابن اثیر، ج 4، ص 82
14. سید بن طاووس، لهوف، ص 215 تا 217، علامه طبرسی، احتجاج، ج 2، ص 34 و 35
15. عباس قلی خان سپهر، الطراز المذهب. الطراز المذهب، ص 80 و 81
16. بحار الانوار، ج 45، ص 108 و ص 110
17. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 182
18. زیارت نامه حضرت زینب سلام الله علیها
19. بحار الانوار، ج 45، ص 154 و ص 115
20. بحار الانوار، ج 45، ص 134
21. عباس قلی خان سپهر، الطراز المذهب، ص 480
22. برخی بر این باورند که ام کلثوم در این جا همان زینب سلام الله علیها است
23. بحار الانوار، ج 4، ص 114
24. میزان الحکمه، ج 1، ص 4
25. میزان الحکمه، ج 1، ص 4
26. ریاحین الشریعة، ج 3، ص 62
27. نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت 466
28. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج 3، ص 204
29. بحار الانوار، ج 45، ص 115
30. بحار الانوار، ج 45، ص 179
31. حسینی، سید جواد، زینب سلام الله علیها، آموزگار حیا و پاکدامنی، نشریه پاسدار اسلام، شماره 272، مرداد ماه 1383، ص 18
32. میزان الحکمه، ج 2، روایت 4559
33. جزائری الخصائص الزینبیّة، ص 345
34. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 134
35. مقتل مقرر، ص 371

منابع:

پور حسینی، سید علی، 1360 -گذشت و صبر حضرت خدیجه و حضرت زینب سلام الله علیها: مشهد، موسسه فرهنگی، هنری
و انتشاراتی ضریح آفتاب ، 1390

راسخون